



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
سه‌شنبه ۱۶ مهر ۱۳۹۸ - ۹ صفر ۱۴۴۱
سال بیست‌ویکم - شماره ۵۷۶۶ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰ تومان

سر مقاله

دال تهی گفتمان اصلاح طلبی چیست؟



عبدالله گنجی
مدیرمسئول

این روزها احساس نیاز و اصرار بر گذر از وضع موجود در برخی از طیف‌های اصلاح‌طلبان مکرر به گوش می‌رسد. مطالبه‌کنندگان تحول و تغییر عمدتاً کسانی هستند که یا تحت «انقیاد سیاسی» به‌سر می‌برند یا پوستین سیاست‌ورزی را در آورده و کاپشن روشنفکری پوشیده‌اند. البته طیف سوم

اصلاحات که درون قدرت و حکومت هستند و بخشی‌های زیادی از دولت و مجلس را در اختیار دارند، کمتر به دنبال تحول خواهی و تغییر گفتمان هستند.

افراد ماندگار آرمین بسا صراحت تغییر گفتمان را مطالبه می‌کنند و دال تهی گفتمان اصلاح‌طلبی را «عدالت‌خواهی» و «فسادستیزی» پیشنهاد می‌دهند که در این صورت به بخشی از اصولگرایان که خود آنها را تندرو می‌خوانند نزدیک خواهند شد. در حالی که حساب تاجیک علاوه بر تغییر گفتمان خواستار تغییر در مولدان و حاملان اندیشه اصلاح‌طلبی نیز هست، آرمین از جوان‌گرایی در جریان اصلاحات استقبال نمی‌کند و آن را پوست خربزه بخش اصولگرایان علیه بخش سنتی می‌داند. شخص دیگری

سیاست‌ورزی بدون پیش‌شرط را بی‌فوزی می‌داند و دیگری همچنان نقد ماهیتی و هویتی نظام را با هدف تغییر ماهوی آن دنبال می‌کند. در یک تقسیم‌بندی دوگانه دیگر، بخشی از اصلاح‌طلبان خود را عین و عضو نظام دانسته و حضور در مستند قدرت را حق خود می‌دانند، اما در نقطه مقابل دیگرانی هستند که علقه و وفاداری به نظام را دون شأن اصلاح‌طلبی می‌دانند و آن را شصت‌متری می‌کنند (شکورزی را) و تن دادن به ضوابط و مقررات نظام برای حصول به قدرت را «گدایی قدرت» (حجاریان) می‌دانند. ممکن است گفته شود فضای

جریان و ایضاً فضای کشور باز است و هر کس حق دارد نظرات خود را بگوید. این اصل درست است اما کسی که نابو و پیشینه جریان دارد مستقلاً معنا نمی‌شود و هزینه و مواهب ایده‌ها و رفتارهایش دامن جریان را خواهد گرفت و گرفته است. با این اوصاف اکنون می‌توان سه طیف اصلاح‌طلب را

شماره ۱- طیفی که درون قدرت و علاقه‌مند به استمرار وضع موجود است و هویت خود را با هویت نظام ادغام شده می‌بیند و از درون جریان آماج حملات زیادی هست. ۲- طیفی که راهی به هم‌دیگر فقط در اعتراضات تکتیک‌یافتی مانده است. می‌کند و تجربیات گذشته به او می‌آموزد که باید کج‌دار و مریز همراه نظام شود تا بپایند شرایط آینده چه خواهد شد.

۳- طیفی که راهی به قدرت ندارد و اصرار می‌کند ندارد اما بسا سال‌ها (۳۷ تا ۷۷ سالگی) از این طیف گفتمان دموکراسی خواهی، و مشروطه خواهی، عقب راندن حکومت از عرصه فرهنگی و اجتماعی (سکولاریسم)، برداشتن هرگونه مرزبندی با غیرت و تلاش جهت تفسیر سازگار با غرب از امام

و جمهوری اسلامی... را در دستور کار دارد. بنابراین جریان اصلاحات باید بپذیرد که در بن‌مایه‌ها و بنیان‌های فکری به دو دسته معتقدان به انقلاب اسلامی و مخالفان نظام دینی تقسیم می‌شوند و اصرار بر سنجاق و چسب و وصله این دو گانه به هم‌دیگر فقط در سطح تکتیک‌یافتی مانده است.

بخشی می‌گویند ما جزو حکومت هستیم پس چرا باید اینقدر هزینه پرداخت کنیم و بخشی معتقدند سینه‌زنی ذیل پرچم اصلاح‌طلبی هزینه دارد.

فرض کنید جریان اصلاحات بخواهد بسین نگاه‌های اخیر آرمین، تاجیک، حجاران، تاج‌زاده، عارف و کواکبیان در تنظیم خود با نظام مستقر به راهبرد برسد. چه خواهد کرد؟ می‌تواند اجماع اصلاح‌طلبی در عرصه واقعی به بن‌بست برسد است، اما آنچه آنان را همچنان دور یک میز نشانی می‌دهد، مرزبندی یا انتقاد به کلیت نظام است نه جریان اصولگرایی. زیرا آنچه اصلاح‌طلبان ناب در حال وضع موجود نمی‌پسندند، یا راندهای عرفی کشور است یا قوانین موضوعه که هیچ یک ربطی به اصولگرایان ندارد، اما مواجبه با نظام را با مواجبه با اصولگرایان بدیل‌سازی می‌کنند تا حساسیت‌ها را کاهش دهند. سرجمع افتراق‌نپایان و اشتراک تاکتیکی که

در جریان اصلاحات وجود دارد باید به مسیر مشخصی ختم شود و گرنه داستان اصلاح‌طلبان همچنان دوگانه و غم‌انگیز باقی خواهد ماند. با باید همه جریان بپذیرد که بخشی از حاکمیت است و به سیاست‌های کلی نظام تمکین کند یا باید مرزبندی ماهیتی خود را پررنگ نماید و به اپوزیسیونی به نظر دنبال مبارزه مسالمت‌آمیز با نظام است تبدیل شود. به نظر می‌رسد اصلاح‌طلبی به پایان این دوگانه نزدیک می‌شود و این

را باید به فال نیک گرفت. نیروهای مؤمن به انقلاب اسلامی بدون نیت‌خوانی باید از پیشبند آرمین استقبال کنند.

بقیه در صفحه ۲

فرار وزیران از تکلیف یارانه‌ها!

لاریجانی: غیبت وزرا در جلسه غیرعلنی بی‌ادبی بود

بعد از اظهارات وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی مبنی بر احتمال موکول کردن حذف یارانه پردرآمدها به سال آتی، غیبت وزرای اقتصادی در نشست غیرعلنی بررسی یارانه‌ها در مجلس بار دیگر

نشان داد که حل مشکل هزاران میلیارد تومان یارانه‌های پنهان سالانه در اولویت دولت نیست، اگر چه بخش کارشناسی سازمان برنامه بر این موضوع تأکید دارد | صفحه ۴

این بدترکیبی شوم از کجا آمد

نقدی بر یک پدیده شوم اجتماعی و شیوه مواجهه اصلاح‌طلبان با آن

همین صفحه



این بدترکیبی شوم از کجا آمد

دو تن از اصلاح‌طلبان جامعه‌شناس، دیروز و پرویز در روزنامه‌های اعتماد و سازندگی درباره پدیده تلو نوشته‌اند و به نوعی بروز این پدیده را به ناکارآمدی نظریه «مهندسی اجتماعی» مربوط دانسته‌اند؛ اینکه ۴۰ سال پس از انقلاب با این همه منبر و تلویزیون و آموزش و پرورش دولتی، کار به جایی رسیده‌است که به قول ایشان «چنین موجودی» (تلو) وقتی از دنبال‌کنندگانش می‌خواهد کامنت‌هایش را زیاد کند تا رکورد جهانی را بشکند، آنها هم چنین می‌کنند!

اگر چه هر دو ایشان تلاش کرده‌اند نوشته خود را با نگاهی علمی و نوشته موج می‌زند و این از اثر نقدی که می‌کند است مورد توجه قرار گیرد، کم می‌کند، اگر پدیده شومی مثل تلو در جامعه رشد می‌کند، اولین اشکالش همین است که وقتی می‌خواهیم از او بنویسیم، نگاه فرهنگی خود را از رویکردها و خط و ربط‌های سیاسی محافظت نمی‌کنیم و لایحه‌ها به نتیجه درخور علمی

و پیدا کردن راه‌حل هم نمی‌رسیم. هر چند در هر دو نوشته ادعاهایی هست که محل تردید است و مثال نقض فراوان دارد. پرسش دقیق‌تر و منصفانه‌تر درباره ظهور این گونه پدیده‌ها باید کاملاً عساری از دغدغه‌های جناحی باشد. پدیده‌های دیگری هم در فضای مجازی هستند که سرشاخ شدن مستقیم آنها با اصول اخلاقی و دینی آشکار است، اما چون در دایره اصلاح‌طلبی بروز و ظهور یافته‌اند و در زمان انتخابات به کمک اصلاح‌طلبان می‌آیند، چیزی درباره آنها نوشته نمی‌شود یا به این ترتیب وقتی شما می‌خواهید یک «پرسش جامعه‌شناسانه» مطرح کنید ولی فقط از تلو که به زعم شما «عکس زمان انتخابات با نامزد رقیب دارد»، نام می‌برید، دیگر

اثر حرف و پرسش علمی خود را تعریف می‌کنید و راه را لوده این پرسش به عنوان «یک حقیقت» به محافل تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر، خود به خود ممانعت می‌کنید.

اگر آقای باقی می‌گوید با این همه منبر، آخربه تلو رسیدیم، بهتر است برای رفع شائبه غیرعلمی و جناحی شدن حرف خود بگوید «با این همه منبر آخربه تلو و آن دو یا چند سلب‌ریتی خاتم هم رسیدیم که در زمان انتخابات، کمک حال اصلاح‌طلبان هستند، اما در اینستاگرام برخلاف تعالیم منبری‌ها ترویج ضد ارزش‌های دینی از کشف حجاب تا همجنس‌بازی می‌کنند.» اگر چنین تصافی وجود داشته باشد، به نظر شاید

همین فردا برخی محافل تصمیم‌ساز ایشان را برای پیدا کردن راه‌حل بر آن آخوند منبری که نتوانسته جلوی این پدیده‌ها را بگیرد، ترجیح دهند اما وقتی حرف علمی را لوده با غرض‌ورزی سیاسی می‌کنید، آن وقت صرفاً می‌توانید به دعوای سیاسی دامن بزنید نه راه‌حل‌های فرهنگی.

اجازه بدهید ببینیم دغدغه آقایان عبیدی و باقی چیست. عباس عبیدی در روزنامه اعتماد ۱۵ مهر ماه فقط از «مجموعه اصولگرایان» که به عنوان یک پرسش کلی از «همه» می‌خواهد سکوت خودشان را در برده «بشکنند و «علت بروز پدیده (تلو) و نقش سیاست‌های رسمی را در تقویت این فرهنگ و عوارض آن و شیوه حل آن بیان کنند.» عمادالدین باقی هم یک روز قبل از آن در روزنامه سازندگی با طرح مسئله «رکوردشکنی کامنت‌های بیچ اینستاگرامی تلو» می‌نویسد: «اینها (پدیده تلو) برای چندمین بار نشان می‌دهند نظر به مهندسی اجتماعی نظریه‌های شکست خورده

نمود و همواره می‌خواست ملتزم نبودن خود را به مهندسی اجتماعی نشان دهد و البته در برخی بروز و ظهورها مثل موافقت با ورود زنان به ورزشگاه‌ها و مخالفت با گشت ارشاد از اصلاح‌طلبان هم جلوتر حرکت می‌کرد یعنی حتی این دولت را دیو و تلویزیون و منابر و تریبون‌ها، ارزش‌های رسمی می‌بازند اما جامعه قانونمندی مستقلی دارد و جدای از این مهندسی راه خودش را می‌رود.»

بدون انکار برخی تندروها در گذشته یا برخی رویه‌های غلط فرهنگی در گذشته و حال، معلوم نیست که بتوان سادگی با ادعای «پیدایش راست افراطی» در جامعه امروز همدلی و همراهی کرد. اولاً می‌توان در مقابل این ادعا که بن‌مایه آن بر واکنش‌های فضای مجازی و صورت‌ظاهر اجتماع گذاشته شده‌است، از همین مسئله شگفتی‌آفرین اربعین هم نام برد و پرسید آیا در شرایط امنیتی فعلی عراق و افزایش هزینه‌های زیارت و تبلیغات وسیع رسانه‌های خارجی برای برهم زدن الفت دو ملت مسلمان ایران و عراق، ر کوردشکنی نسبت نام اربعین راهی در برابر رکوردشکنی کامنت‌های فلانی می‌بینید و می‌توانید با آن هم نظریه‌پردازی کنید یا نه؟

اگر در مقابل، کسی «پدیده اربعین» را به عنوان تأثیر درست کار منبر و رسانه ملی و آموزش و پرورش بداند، شما به او نمی‌گویید. اصلاً بروز و ظهور در فضای مجازی، به تنهایی و چرا می‌گویید و البته پرسش قابل تأملی است، پس اگر کسی در مقابل هشدار تلویزی می‌بیند شما به برخی برداشتهای فرهنگی

دیگر که همسو با جریان اصلی انقلاب است، اشاره کرد، باید بپذیرد که ادعای شما درباره فضای فرهنگی کشور مثال یا مثال‌های نقضی دارد.

از نکته ظریفی هم نباید غفلت کرد: آن کسان که عازم اربعین هستند، بسیار عینی‌تر و واقعی‌تر هستند تا آن کسان که کامنت می‌گذارند. اصلاً بروز و ظهور در فضای مجازی، به تنهایی و بدون پژوهش‌های دیگر از قدرت اثبات چیزی به خوبی بر نمی‌آید. فضای مجازی چیز تازه‌ای است و غرب خود هنوز در چندقرون آن مانده‌است و پژوهش‌های دانشگاهی درباره این پدیده بسیار ناچیزتر از آن است که بتوان درباره وقایع آن نظریه داد اما مسئله اربعین، یک حقیقت عینی است و ندیدن آن در برابر دیدن یک سلب‌ریتی شوم، بی‌انصافی علمی است.

حتماً به خاطر دارید که چندی پیش فرد ناشناسی در اینستاگرام عکس یک تخم مرغ را منتشر کرد و از کاربران اینستا خواست تا او را برای این پست، لایک کنند. به فاصله کوتاهی ۵۲ میلیون نفر از سراسر جهان او را لایک کردند و بعداً ۸ میلیون نفر عضو پیج او شدند.

آیا می‌توان به آسانی و قطعیت قضاوت شما درباره این پدیده هم قضاوت کرد؟

به هر حال اگر برای پدیده‌های مثل کامنت گذاشتن چندصدباره دنبال‌کنندگان فلانی برای رسیدن به یک رکورد میلیونی، نام «زلزله اجتماعی» و «فراندوم ناخواسته» می‌گذارید نمی‌توانید پدیده‌های عینی و مردمی مثل اربعین را در فریضه‌سازی‌های خود مکتوم نگه دارید.

ناتیا همه چیز در منبرها و تلویزیون خلاصه نشده‌است، آقایان عبیدی و باقی به جناحی تعلق دارند که به‌جز دو دولت نهم و دهم، بقیه دولت‌های پس از جنگ را در اختیار داشته‌اند و زمان قبل از جنگ نیز همگی از کارگزاران اصلی بوده‌اند، حتی می‌توان ادعا کرد که دست‌کم شخص رئیس دولت‌های نهم و دهم هیچ‌گاه در حوزه فرهنگ مروج سیاست‌های کلی

نمود و همواره می‌خواست ملتزم نبودن خود را به مهندسی اجتماعی نشان دهد و البته در برخی بروز و ظهورها مثل موافقت با ورود زنان به ورزشگاه‌ها و مخالفت با گشت ارشاد از اصلاح‌طلبان هم جلوتر حرکت می‌کرد یعنی حتی این دولت را دیو و تلویزیون و منابر و تریبون‌ها، ارزش‌های رسمی می‌بازند اما جامعه قانونمندی مستقلی دارد و جدای از این مهندسی راه خودش را می‌رود.»

بدون انکار برخی تندروها در گذشته یا برخی رویه‌های غلط فرهنگی در گذشته و حال، معلوم نیست که بتوان سادگی با ادعای «پیدایش راست افراطی» در جامعه امروز همدلی و همراهی کرد. اولاً می‌توان در مقابل این ادعا که بن‌مایه آن بر واکنش‌های فضای مجازی و صورت‌ظاهر اجتماع گذاشته شده‌است، از همین مسئله شگفتی‌آفرین اربعین هم نام برد و پرسید آیا در شرایط امنیتی فعلی عراق و افزایش هزینه‌های زیارت و تبلیغات وسیع رسانه‌های خارجی برای برهم زدن الفت دو ملت مسلمان ایران و عراق، ر کوردشکنی نسبت نام اربعین راهی در برابر رکوردشکنی کامنت‌های فلانی می‌بینید و می‌توانید با آن هم نظریه‌پردازی کنید یا نه؟

اگر در مقابل، کسی «پدیده اربعین» را به عنوان تأثیر درست کار منبر و رسانه ملی و آموزش و پرورش بداند، شما به او نمی‌گویید. اصلاً بروز و ظهور در فضای مجازی، به تنهایی و چرا می‌گویید و البته پرسش قابل تأملی است، پس اگر کسی در مقابل هشدار تلویزی می‌بیند شما به برخی برداشتهای فرهنگی

دیگر که همسو با جریان اصلی انقلاب است، اشاره کرد، باید بپذیرد که ادعای شما درباره فضای فرهنگی کشور مثال یا مثال‌های نقضی دارد.

از نکته ظریفی هم نباید غفلت کرد: آن کسان که عازم اربعین هستند، بسیار عینی‌تر و واقعی‌تر هستند تا آن کسان که کامنت می‌گذارند. اصلاً بروز و ظهور در فضای مجازی، به تنهایی و بدون پژوهش‌های دیگر از قدرت اثبات چیزی به خوبی بر نمی‌آید. فضای مجازی چیز تازه‌ای است و غرب خود هنوز در چندقرون آن مانده‌است و پژوهش‌های دانشگاهی درباره این پدیده بسیار ناچیزتر از آن است که بتوان درباره وقایع آن نظریه داد اما مسئله اربعین، یک حقیقت عینی است و ندیدن آن در برابر دیدن یک سلب‌ریتی شوم، بی‌انصافی علمی است.

حتماً به خاطر دارید که چندی پیش فرد ناشناسی در اینستاگرام عکس یک تخم مرغ را منتشر کرد و از کاربران اینستا خواست تا او را برای این پست، لایک کنند. به فاصله کوتاهی ۵۲ میلیون نفر از سراسر جهان او را لایک کردند و بعداً ۸ میلیون نفر عضو پیج او شدند.

آیا می‌توان به آسانی و قطعیت قضاوت شما درباره این پدیده هم قضاوت کرد؟

به هر حال اگر برای پدیده‌های مثل کامنت گذاشتن چندصدباره دنبال‌کنندگان فلانی برای رسیدن به یک رکورد میلیونی، نام «زلزله اجتماعی» و «فراندوم ناخواسته» می‌گذارید نمی‌توانید پدیده‌های عینی و مردمی مثل اربعین را در فریضه‌سازی‌های خود مکتوم نگه دارید.

ناتیا همه چیز در منبرها و تلویزیون خلاصه نشده‌است، آقایان عبیدی و باقی به جناحی تعلق دارند که به‌جز دو دولت نهم و دهم، بقیه دولت‌های پس از جنگ را در اختیار داشته‌اند و زمان قبل از جنگ نیز همگی از کارگزاران اصلی بوده‌اند، حتی می‌توان ادعا کرد که دست‌کم شخص رئیس دولت‌های نهم و دهم هیچ‌گاه در حوزه فرهنگ مروج سیاست‌های کلی

نمود و همواره می‌خواست ملتزم نبودن خود را به مهندسی اجتماعی نشان دهد و البته در برخی بروز و ظهورها مثل موافقت با ورود زنان به ورزشگاه‌ها و مخالفت با گشت ارشاد از اصلاح‌طلبان هم جلوتر حرکت می‌کرد یعنی حتی این دولت را دیو و تلویزیون و منابر و تریبون‌ها، ارزش‌های رسمی می‌بازند اما جامعه قانونمندی مستقلی دارد و جدای از این مهندسی راه خودش را می‌رود.»

بدون انکار برخی تندروها در گذشته یا برخی رویه‌های غلط فرهنگی در گذشته و حال، معلوم نیست که بتوان سادگی با ادعای «پیدایش راست افراطی» در جامعه امروز همدلی و همراهی کرد. اولاً می‌توان در مقابل این ادعا که بن‌مایه آن بر واکنش‌های فضای مجازی و صورت‌ظاهر اجتماع گذاشته شده‌است، از همین مسئله شگفتی‌آفرین اربعین هم نام برد و پرسید آیا در شرایط امنیتی فعلی عراق و افزایش هزینه‌های زیارت و تبلیغات وسیع رسانه‌های خارجی برای برهم زدن الفت دو ملت مسلمان ایران و عراق، ر کوردشکنی نسبت نام اربعین راهی در برابر رکوردشکنی کامنت‌های فلانی می‌بینید و می‌توانید با آن هم نظریه‌پردازی کنید یا نه؟

اگر در مقابل، کسی «پدیده اربعین» را به عنوان تأثیر درست کار منبر و رسانه ملی و آموزش و پرورش بداند، شما به او نمی‌گویید. اصلاً بروز و ظهور در فضای مجازی، به تنهایی و چرا می‌گویید و البته پرسش قابل تأملی است، پس اگر کسی در مقابل هشدار تلویزی می‌بیند شما به برخی برداشتهای فرهنگی

دیگر که همسو با جریان اصلی انقلاب است، اشاره کرد، باید بپذیرد که ادعای شما درباره فضای فرهنگی کشور مثال یا مثال‌های نقضی دارد.

از نکته ظریفی هم نباید غفلت کرد: آن کسان که عازم اربعین هستند، بسیار عینی‌تر و واقعی‌تر هستند تا آن کسان که کامنت می‌گذارند. اصلاً بروز و ظهور در فضای مجازی، به تنهایی و بدون پژوهش‌های دیگر از قدرت اثبات چیزی به خوبی بر نمی‌آید. فضای مجازی چیز تازه‌ای است و غرب خود هنوز در چندقرون آن مانده‌است و پژوهش‌های دانشگاهی درباره این پدیده بسیار ناچیزتر از آن است که بتوان درباره وقایع آن نظریه داد اما مسئله اربعین، یک حقیقت عینی است و ندیدن آن در برابر دیدن یک سلب‌ریتی شوم، بی‌انصافی علمی است.

حتماً به خاطر دارید که چندی پیش فرد ناشناسی در اینستاگرام عکس یک تخم مرغ را منتشر کرد و از کاربران اینستا خواست تا او را برای این پست، لایک کنند. به فاصله کوتاهی ۵۲ میلیون نفر از سراسر جهان او را لایک کردند و بعداً ۸ میلیون نفر عضو پیج او شدند.

آیا می‌توان به آسانی و قطعیت قضاوت شما درباره این پدیده هم قضاوت کرد؟

به هر حال اگر برای پدیده‌های مثل کامنت گذاشتن چندصدباره دنبال‌کنندگان فلانی برای رسیدن به یک رکورد میلیونی، نام «زلزله اجتماعی» و «فراندوم ناخواسته» می‌گذارید نمی‌توانید پدیده‌های عینی و مردمی مثل اربعین را در فریضه‌سازی‌های خود مکتوم نگه دارید.

ناتیا همه چیز در منبرها و تلویزیون خلاصه نشده‌است، آقایان عبیدی و باقی به جناحی تعلق دارند که به‌جز دو دولت نهم و دهم، بقیه دولت‌های پس از جنگ را در اختیار داشته‌اند و زمان قبل از جنگ نیز همگی از کارگزاران اصلی بوده‌اند، حتی می‌توان ادعا کرد که دست‌کم شخص رئیس دولت‌های نهم و دهم هیچ‌گاه در حوزه فرهنگ مروج سیاست‌های کلی

نمود و همواره می‌خواست ملتزم نبودن خود را به مهندسی اجتماعی نشان دهد و البته در برخی بروز و ظهورها مثل موافقت با ورود زنان به ورزشگاه‌ها و مخالفت با گشت ارشاد از اصلاح‌طلبان هم جلوتر حرکت می‌کرد یعنی حتی این دولت را دیو و تلویزیون و منابر و تریبون‌ها، ارزش‌های رسمی می‌بازند اما جامعه قانونمندی مستقلی دارد و جدای از این مهندسی راه خودش را می‌رود.»

بدون انکار برخی تندروها در گذشته یا برخی رویه‌های غلط فرهنگی در گذشته و حال، معلوم نیست که بتوان سادگی با ادعای «پیدایش راست افراطی» در جامعه امروز همدلی و همراهی کرد. اولاً می‌توان در مقابل این ادعا که بن‌مایه آن بر واکنش‌های فضای مجازی و صورت‌ظاهر اجتماع گذاشته شده‌است، از همین مسئله شگفتی‌آفرین اربعین هم نام برد و پرسید آیا در شرایط امنیتی فعلی عراق و افزایش هزینه‌های زیارت و تبلیغات وسیع رسانه‌های خارجی برای برهم زدن الفت دو ملت مسلمان ایران و عراق، ر کوردشکنی نسبت نام اربعین راهی در برابر رکوردشکنی کامنت‌های فلانی می‌بینید و می‌توانید با آن هم نظریه‌پردازی کنید یا نه؟

اگر در مقابل، کسی «پدیده اربعین» را به عنوان تأثیر درست کار منبر و رسانه ملی و آموزش و پرورش بداند، شما به او نمی‌گویید. اصلاً بروز و ظهور در فضای مجازی، به تنهایی و چرا می‌گویید و البته پرسش قابل تأملی است، پس اگر کسی در مقابل هشدار تلویزی می‌بیند شما به برخی برداشتهای فرهنگی

دیگر که همسو با جریان اصلی انقلاب است، اشاره کرد، باید بپذیرد که ادعای شما درباره فضای فرهنگی کشور مثال یا مثال‌های نقضی دارد.

از نکته ظریفی هم نباید غفلت کرد: آن کسان که عازم اربعین هستند، بسیار عینی‌تر و واقعی‌تر هستند تا آن کسان که کامنت می‌گذارند. اصلاً بروز و ظهور در فضای مجازی، به تنهایی و بدون پژوهش‌های دیگر از قدرت اثبات چیزی به خوبی بر نمی‌آید. فضای مجازی چیز تازه‌ای است و غرب خود هنوز در چندقرون آن مانده‌است و پژوهش‌های دانشگاهی درباره این پدیده بسیار ناچیزتر از آن است که بتوان درباره وقایع آن نظریه داد اما مسئله اربعین، یک حقیقت عینی است و ندیدن آن در برابر دیدن یک سلب‌ریتی شوم، بی‌انصافی علمی است.

حتماً به خاطر دارید که چندی پیش فرد ناشناسی در اینستاگرام عکس یک تخم مرغ را منتشر کرد و از کاربران اینستا خواست تا او را برای این پست، لایک کنند. به فاصله کوتاهی ۵۲ میلیون نفر از سراسر جهان او را لایک کردند و بعداً ۸ میلیون نفر عضو پیج او شدند.

آیا می‌توان به آسانی و قطعیت قضاوت شما درباره این پدیده هم قضاوت کرد؟

به هر حال اگر برای پدیده‌های مثل کامنت گذاشتن چندصدباره دنبال‌کنندگان فلانی برای رسیدن به یک رکورد میلیونی، نام «زلزله اجتماعی» و «فراندوم ناخواسته» می‌گذارید نمی‌توانید پدیده‌های عینی و مردمی مثل اربعین را در فریضه‌سازی‌های خود مکتوم نگه دارید.

ناتیا همه چیز در منبرها و تلویزیون خلاصه نشده‌است، آقایان عبیدی و باقی به جناحی تعلق دارند که به‌جز دو دولت نهم و دهم، بقیه دولت‌های پس از جنگ را در اختیار داشته‌اند و زمان قبل از جنگ نیز همگی از کارگزاران اصلی بوده‌اند، حتی می‌توان ادعا کرد که دست‌کم شخص رئیس دولت‌های نهم و دهم هیچ‌گاه در حوزه فرهنگ مروج سیاست‌های کلی

نمود و همواره می‌خواست ملتزم نبودن خود را به مهندسی اجتماعی نشان دهد و البته در برخی بروز و ظهورها مثل موافقت با ورود زنان به ورزشگاه‌ها و مخالفت با گشت ارشاد از اصلاح‌طلبان هم جلوتر حرکت می‌کرد یعنی حتی این دولت را دیو و تلویزیون و منابر و تریبون‌ها، ارزش‌های رسمی می‌بازند اما جامعه قانونمندی مستقلی دارد و جدای از این مهندسی راه خودش را می‌رود.»

بدون انکار برخی تندروها در گذشته یا برخی رویه‌های غلط فرهنگی در گذشته و حال، معلوم نیست که بتوان سادگی با ادعای «پیدایش راست افراطی» در جامعه امروز همدلی و همراهی کرد. اولاً می‌توان در مقابل این ادعا که بن‌مایه آن بر واکنش‌های فضای مجازی و صورت‌ظاهر اجتماع گذاشته شده‌است، از همین مسئله شگفتی‌آفرین اربعین هم نام برد و پرسید آیا در شرایط امنیتی فعلی عراق و افزایش هزینه‌های زیارت و تبلیغات وسیع رسانه‌های خارجی برای برهم زدن الفت دو ملت مسلمان ایران و عراق، ر کوردشکنی نسبت نام اربعین راهی در برابر رکوردشکنی کامنت‌های فلانی می‌بینید و می‌توانید با آن هم نظریه‌پردازی کنید یا نه؟

اگر در مقابل، کسی «پدیده اربعین» را به عنوان تأثیر درست کار منبر و رسانه ملی و آموزش و پرورش بداند، شما به او نمی‌گویید. اصلاً بروز و ظهور در فضای مجازی، به تنهایی و چرا می‌گویید و البته پرسش قابل تأملی است، پس اگر کسی در مقابل هشدار تلویزی می‌بیند شما به برخی برداشتهای فرهنگی

دیگر که همسو با جریان اصلی انقلاب است، اشاره کرد، باید بپذیرد که ادعای شما درباره فضای فرهنگی کشور مثال یا مثال‌های نقضی دارد.

از نکته ظریفی هم نباید غفلت کرد: آن کسان که عازم اربعین هستند، بسیار عینی‌تر و واقعی‌تر هستند تا آن کسان که کامنت می‌گذارند. اصلاً بروز و ظهور در فضای مجازی، به تنهایی و بدون پژوهش‌های دیگر از قدرت اثبات چیزی به خوبی بر نمی‌آید. فضای مجازی چیز تازه‌ای است و غرب خود هنوز در چندقرون آن مانده‌است و پژوهش‌های دانشگاهی درباره این پدیده بسیار ناچیزتر از آن است که بتوان درباره وقایع آن نظریه داد اما مسئله اربعین، یک حقیقت عینی است و ندیدن آن در برابر دیدن یک سلب‌ریتی شوم، بی‌انصافی علمی است.

حتماً به خاطر دارید که چندی پیش فرد ناشناسی در اینستاگرام عکس یک تخم مرغ را منتشر کرد و از کاربران اینستا خواست تا او را برای این پست، لایک کنند. به فاصله کوتاهی ۵۲ میلیون نفر از سراسر جهان او را لایک کردند و بعداً ۸ میلیون نفر عضو پیج او شدند.

آیا می‌توان به آسانی و قطعیت قضاوت شما درباره این پدیده هم قضاوت کرد؟

به هر حال اگر برای پدیده‌های مثل کامنت گذاشتن چندصدباره دنبال‌کنندگان فلانی برای رسیدن به یک رکورد میلیونی، نام «زلزله اجتماعی» و «فراندوم ناخواسته» می‌گذارید نمی‌توانید پدیده‌های عینی و مردمی مثل اربعین را در فریضه‌سازی‌های خود مکتوم نگه دارید.

ناتیا همه چیز در منبرها و تلویزیون خلاصه نشده‌است، آقایان عبیدی و باقی به جناحی تعلق دارند که به‌جز دو دولت نهم و دهم، بقیه دولت‌های پس از جنگ را در اختیار داشته‌اند و زمان قبل از جنگ نیز همگی از کارگزاران اصلی بوده‌اند، حتی می‌توان ادعا کرد که دست‌کم شخص رئیس دولت‌های نهم و دهم هیچ‌گاه در حوزه فرهنگ مروج سیاست‌های کلی

نمود و همواره می‌خواست ملتزم نبودن خود را به مهندسی اجتماعی نشان دهد و البته در برخی بروز و ظهورها مثل موافقت با ورود زنان به ورزشگاه‌ها و مخالفت با گشت ارشاد از اصلاح‌طلبان هم جلوتر حرکت می‌کرد یعنی حتی این دولت را دیو و تلویزیون و منابر و تریبون‌ها، ارزش‌های رسمی می‌بازند اما جامعه قانونمندی مستقلی دارد و جدای از این مهندسی راه خودش را می‌رود.»

بدون انکار برخی تندروها در گذشته یا برخی رویه‌های غلط فرهنگی در گذشته و حال، معلوم نیست که بتوان سادگی با ادعای «پیدایش راست افراطی» در جامعه امروز همدلی و همراهی کرد. اولاً می‌توان در مقابل این ادعا که بن‌مایه آن بر واکنش‌های فضای مجازی و صورت‌ظاهر اجتماع گذاشته شده‌است، از همین مسئله شگفتی‌آفرین اربعین هم نام برد و پرسید آیا در شرایط امنیتی فعلی عراق و افزایش هزینه‌های زیارت و تبلیغات وسیع رسانه‌های خارجی برای برهم زدن الفت دو ملت مسلمان ایران و عراق، ر کوردشکنی نسبت نام اربعین راهی در برابر رکوردشکنی کامنت‌های فلانی می‌بینید و می‌توانید با آن هم نظریه‌پردازی کنید یا نه؟

اگر در مقابل، کسی «پدیده اربعین» را به عنوان تأثیر درست کار منبر و رسانه ملی و آموزش و پرورش بداند، شما به او نمی‌گویید. اصلاً بروز و ظهور در فضای مجازی، به تنهایی و چرا می‌گویید و البته پرسش قابل تأملی است، پس اگر کسی در مقابل هشدار تلویزی می‌بیند شما به برخی برداشتهای فرهنگی

دیگر که همسو با جریان اصلی انقلاب است، اشاره کرد، باید بپذیرد که ادعای شما درباره فضای فرهنگی کشور مثال یا مثال‌های نقضی دارد.

از نکته ظریفی هم نباید غفلت کرد: آن کسان که عازم اربعین هستند، بسیار عینی‌تر و واقعی‌تر هستند تا آن کسان که کامنت می‌گذارند. اصلاً بروز و ظهور در فضای مجازی، به تنهایی و بدون پژوهش‌های دیگر از قدرت اثبات چیزی به خوبی بر نمی‌آید. فضای مجازی چیز تازه‌ای است و غرب خود هنوز در چندقرون آن مانده‌است و پژوهش‌های دانشگاهی درباره این پدیده بسیار ناچیزتر از آن است که بتوان درباره وقایع آن نظریه داد اما مسئله اربعین، یک حقیقت عینی است و ندیدن آن در برابر دیدن یک سلب‌ریتی شوم، بی‌انصافی علمی است.

حتماً به خاطر دارید که چندی پیش فرد ناشناسی در اینستاگرام عکس یک تخم مرغ را منتشر کرد و از کاربران اینستا خواست تا او را برای این پست، لایک کنند. به فاصله کوتاهی ۵۲ میلیون نفر از سراسر جهان او را لایک کردند و بعداً ۸ میلیون نفر عضو پیج او شدند.

آیا می‌توان به آسانی و قطعیت قضاوت شما درباره این پدیده هم قضاوت کرد؟

به هر حال اگر برای پدیده‌های مثل کامنت گذاشتن چندصدباره دنبال‌کنندگان فلانی برای رسیدن به یک رکورد میلیونی، نام «زلزله اجتماعی» و «فراندوم ناخواسته» می‌گذارید نمی‌توانید پدیده‌های عینی و مردمی مثل اربعین را در فریضه‌سازی‌های خود مکتوم نگه دارید.

ناتیا همه چیز در منبرها و تلویزیون خلاصه نشده‌است، آقایان عبیدی و باقی به جناحی تعلق دارند که به‌جز دو دولت نهم و دهم، بقیه دولت‌های پس از جنگ را در اختیار داشته‌اند و زمان قبل از جنگ نیز همگی از کارگزاران اصلی بوده‌اند، حتی می‌توان ادعا کرد که دست‌کم شخص رئیس دولت‌های نهم و دهم هیچ‌گاه در حوزه فرهنگ مروج سیاست‌های کلی

نمود و همواره می‌خواست ملتزم نبودن خود را به مهندسی اجتماعی نشان دهد و البته در برخی بروز و ظهورها مثل موافقت با ورود زنان به ورزشگاه‌ها و مخالفت با گشت ارشاد از اصلاح‌طلبان هم جلوتر حرکت می‌کرد یعنی حتی این دولت را دیو و تلویزیون و منابر و تریبون‌ها، ارزش‌های رسمی می‌بازند اما جامعه قانونمندی مستقلی دارد و جدای از این مهندسی راه خودش را می‌رود.»

بدون انکار برخی تندروها در گذشته یا برخی رویه‌های غلط فرهنگی در گذشته و حال، معلوم نیست که بتوان سادگی با ادعای «پیدایش راست افراطی» در جامعه امروز همدلی و همراهی کرد. اولاً می‌توان در مقابل این ادعا که بن‌مایه آن بر واکنش‌های فضای مجازی و صورت‌ظاهر اجتماع گذاشته شده‌است، از همین مسئله شگفتی‌آفرین اربعین هم نام برد و پرسید آیا در شرایط امنیتی فعلی عراق و افزایش هزینه‌های زیارت و تبلیغات وسیع رسانه‌های خارجی برای برهم زدن الفت دو ملت مسلمان ایران و عراق، ر کوردشکنی نسبت نام اربعین راهی در برابر رکوردشکنی کامنت‌های فلانی می‌بینید و می‌توانید با آن هم نظریه‌پردازی کنید یا نه؟

اگر در مقابل، کسی «پدیده اربعین» را به عنوان تأثیر درست کار منبر و رسانه ملی و آموزش و پرورش بداند، شما به او نمی‌گویید. اصلاً بروز و ظهور در فضای مجازی، به تنهایی و چرا می‌گویید و البته پرسش قابل تأملی است، پس اگر کسی در مقابل هشدار تلویزی می‌بیند شما به برخی برداشتهای فرهنگی

دیگر که همسو با جریان اصلی انقلاب است، اشاره کرد، باید بپذیرد که ادعای شما درباره فضای فرهنگی کشور مثال یا مثال‌های نقضی دارد.

از نکته ظریفی هم نباید غفلت کرد: آن کسان که عازم اربعین هستند، بسیار عینی‌تر و واقعی‌تر هستند تا آن کسان که کامنت می‌گذارند. اصلاً بروز و ظهور در فضای مجازی، به تنهایی و بدون پژوهش‌های دیگر از قدرت اثبات چیزی به خوبی بر نمی‌آید. فضای مجازی چیز تازه‌ای است و غرب خود هنوز در چندقرون آن مانده‌است و پژوهش‌های دانشگاهی درباره این پدیده بسیار ناچیزتر از آن است که بتوان درباره وقایع آن نظریه داد اما مسئله اربعین، یک حقیقت عینی است و ندیدن آن در برابر دیدن یک سلب‌ریتی شوم، بی‌انصافی علمی است.

حتماً به خاطر دارید که چندی پیش فرد ناشناسی در اینستاگرام عکس یک تخم مرغ را منتشر کرد و از کاربران اینستا خواست تا او را برای این پست، لایک کنند. به فاصله کوتاهی ۵۲ میلیون نفر از سراسر جهان او را لایک کردند و بعداً ۸ میلیون نفر عضو پیج او شدند.

آیا می‌توان به آسانی و قطعیت قضاوت شما درباره این پدیده هم قضاوت کرد؟

به هر حال اگر برای پدیده‌های مثل کامنت گذاشتن چندصدباره دنبال‌کنندگان فلانی برای رسیدن به یک رکورد میلیونی، نام «زلزله اجتماعی» و «فراندوم ناخواسته» می‌گذارید نمی‌توانید پدیده‌های عینی و مردمی مثل اربعین را در فریضه‌سازی‌های خود مکتوم نگه دارید.

ناتیا همه چیز در منبرها و تلویزیون خلاصه نشده‌است، آقایان عبیدی و باقی به جناحی تعلق دارند که به‌جز دو دولت نهم و دهم، بقیه دولت‌های پس از جنگ را در اختیار